

از ۹۰ درصد آن متعلق به چند سهامدار حقیقی و حقوقی است که به راحتی می‌توانند برای سهم شرکت خود جریان سازی کنند و سهامداران دیگر را به اشتباه بکشانند. اکثر شرکت‌های داروسازی دارای قابلیت توجهی ندارند و بیشتر ارزش آن‌ها داشتن فرمول تهیه داروها یا ساخت داروهای خاص است که برخی شرکت‌ها به دلیل برخی رانت‌ها در اختیار دارند. یکی دیگر از مشکلات این شرکت‌ها سود یا فروش آنها نصف ارزش بازار شرکت هم نیست که خود از نکات منفی برای سهم آن و افزایش خطر این سهام به حساب می‌آید که امکان ایجاد حباب را برای سهام آن‌ها مهیا می‌کند. از طرفی، وجود کارخانه‌های متعدد داروسازی آن‌ها را مجبور به دادن امتیازهای مختلف به داروخانه‌ها می‌کند همین مساله سودآوری آن‌ها را کاهش می‌دهد. کارخانه بدون توجه به ظرفیت خود اقدام به ساخت و تولید دارو می‌کند که سودآوری بیشتری دارد. هم‌چنین کمبود نقدینگی و عدم حمایت دولت سبب کاهش قیمت و کمیت داروها می‌شود.

با تمام این تفاسیر شرکت‌های داروسازی رشد پایدار و پیوسته‌ای را تجربه کرده‌اند به نحوی که

■ قیمت دارو

جناب آقای دکتر ام. (از فرهیختگان صنعت دارو) طی نامه‌ای برای سردبیر ماهنامه دارویی رازی، در مورد قیمت دارو چنین نوشته‌اند:

«... تا سال‌های دهه چهل صنعت داروسازی در کشور شکل دیگری داشت به نحوی که مواد اولیه از خارج از کشور وارد می‌شد، مقداری هم داروی گیاهی در داخل تولید و از ترکیب این دو نیازهای جامعه برطرف می‌شد اما از آن سال‌ها به بعد، به تدریج اکثر نیازهای کشور از طریق واردات تأمین می‌شد. تا این که شرکت‌های داروسازی ایران به بلوغ نسبی رسیدند و تأسیس این شرکت در آن سال‌ها شدت گرفت به طوری که بسیاری شرکت‌های داروسازی در بین دهه ۴۰ و ۵۰ فعالیت خود را آغاز کردند. هم‌چنین ورود شرکت‌های خارجی در کنار اعطای نمایندگی به شرکت‌های داخلی و تلاش دانشکده‌های داروسازی امکان رشد این صنعت را بیشتر فراهم کرد. از آن سال‌ها تاکنون این صنعت رشد بسیاری کرده به نحوی که ۹۶ درصد داروها در داخل تهیه می‌شوند.

این صنعت هم‌چون سایر صنایع از مشکل داشتن شرکت‌های با ارزش بازار کم رنج می‌برد که بیش

برخی از این شرکت‌ها توانستند بین ۱۰ تا ۵۰ درصد افزایش قیمت سود برای سهامداران خود به ارمغان بیاورند. اما در همین میان شرکت‌هایی بودند که تا ۱۰ درصد افت قیمت را تجربه کردند. و ارزش میدادلات این شرکت‌ها از ابتدای سال بالغ بر ۴۰۰ میلیارد ریال برآورد شده که سهام مبادله شده آن‌ها از مرز ۶۰ میلیون قطعه فراتر رفته است.

مهم‌ترین مشکلی که صنعت داروی کشور از متولی خود احساس می‌کند بحث قیمت‌گذاری است. به نظر می‌رسد که این قیمت‌های مداخله‌ای، باعث شکنندگی در صنعت دارو در ایران شده است. فشار قیمتی که همواره به نفع مصرف‌کننده (خانوارها و تأمین اجتماعی) بوده است، شکاف قیمتی محصولات را با داروهای جهانی بسیار زیاد کرده است.

این تفاوت‌های فاحش سؤال مهمی را مطرح می‌سازد که چه‌طور تولیدات ایران صرفاً به افغانستان، عراق و ... صادر یا قاچاق می‌شود. به نظر می‌رسد این روند به واسطه فرهنگ مصرفی مصرف‌کننده می‌باشد. مصرف‌کننده به واسطه ارتباط معناداری که با سلامتی خود دارد، حاضر نیست تن به داروهای نا آشنا و با کیفیت

پایین‌تر بدهد. بدین ترتیب به نظر نمی‌رسد قیمت مهم‌ترین شاخصه تجارت جهانی دارو به‌خصوص برای کشورهای در حال توسعه مانند ایران باشد. اما نکته مهم‌تر آن است که اگر قیمت‌های دارو در ایران واقعی شود با توجه به آمارهای بین‌المللی، سرانه مصرف دارو در ایران ۲۲ دلار خواهد شد که ۰/۹۷ درصد درآمد سرانه می‌گردد که این نسبت با سیاست وزارت بهداشت و استانداردهای بین‌المللی همخوانی دارد. از طرف دیگر، به علت این که حدود ۶۰ درصد هزینه‌های دارویی توسط سازمان‌های بیمه‌گر پرداخت می‌شود، آزادسازی قیمت بر مصرف‌کنندگان نیز فشار خاصی وارد نمی‌گرداند. این در حالی است که سازمان تأمین اجتماعی سهامدار عمده شرکت‌های متعدد دارویی است، افزایش قیمت دارو سود عملیاتی این شرکت‌ها را افزایش داده و جبران افزایش هزینه تحمیل شده را می‌نماید و حتی ممکن است با افزایش قیمت سهام شرکت‌های دارویی، سود غیرعملیاتی شرکت‌های متعدد و شرکت‌های هولدینگ آن‌ها نیز افزایش یافته و در مجموع افزایش قیمت دارو به نفع سازمان تأمین اجتماعی گردد ...»